



شکافی به وسعت قرن: اگر حاکم نشویم!

آیا ایران اسلامی می تواند از فرصت طلایی
فناوری های نوظهور برای رسیدن به قله های
قدرت جهانی بهره برداری کند؟

سید مهدی سیدی
کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی 

تمدن‌ها در گستره تاریخ، هم را مغلوب می‌کنند؛ از هم پیش می‌افتند و یا در بزنگاه طلایی، به فاصله چندین قرن از هم سبقت می‌گیرند. تجربه تاریخ بشری گواه آن است که برخی نقاط تلاقی است که اگر تمدنی نوظهور بجنبد می‌تواند جاماندگی تاریخی خود را با تغییر نگرش و جهت، جبران کند و خود را به قله قدرت و سلطانی عالم نزدیک سازد. عمدتاً این نقاط کلیدی در ادوار تاریخ آن لحظه‌ها و صحنه‌هایی بوده است که دانش بشری به پوست‌اندازی سرتاسری دست زده و یا پارادایم علم و فناوری دچار گردش تحول‌آفرین شده است.

دنیادر آستانه پوست‌اندازی بزرگ است

به نظر می‌آید بشر در عصر حاضر و در سالیان کنونی در یکی از همین نقاط تاریخی قرار گرفته است. گفته می‌شود اگر تا پیش از این «فلسفه» و «هنر» پیشران تحول بوده است و علم و فناوری،

سرباز و دنباله‌رو آن بوده است، اما در سال‌های اخیر پس از توسعه شتابناک و شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی، گویی مهندسان کاروان سالار بشر هستند و فلاسفه نفس‌نفس‌زنان به دنبالشان سرگردان بیابان وحشت هستند تا چه افتد و چه شود!

حال اگر این جمله مهیج را هم ضمیمه کنیم به دریافتی جدید خواهیم رسید: گفته می‌شود تا قرن قبل، اگر گذری بر آزمایشگاه‌های برتر دنیا می‌داشتیم و یک‌دور از دانشمندان و پیشتازان علم حال و احوال می‌کردیم می‌توانستیم حدس بزنیم گام بعدی اکتشافات چه خواهد بود؟ و به تعبیری ساده و خودمانی خواهیم فهمید («نوبل») بعدی به کدام کشف و زمینه علمی اعطاء خواهد شد؛ اما وضعیت علم و فناوری در دنیای جدید به نقطه‌ای متمایز رسیده است که تقریباً هیچ دانشمند و هیچ پژوهشگر علم نمی‌تواند با قاطعیت عنوان کند که نوک پیکان علم، کدام هدف را نشانه می‌رود و شگفتانه بعدی او چیست؟ برای همین است

که اگر مروری به روند پژوهی‌های علمی و آینده‌پژوهی‌های دانشی داشته باشیم با فهرست متفاوت و بعضاً متباینی از پیشران‌ها مواجه خواهیم شد.

به فصل ازدواج «فناوری» و «ارتباطات» وارد شده‌ایم

اما چیزی که امروز تقریباً مورد اجماع علم‌پژوهان است آن است که بشر در حوزه فناوری‌های ارتباطی و داده‌محور در حال ورود به کهکشانی تازه است. گویی چند صباحی است که «فناوری» و «رسانه» با یکدیگر ازدواج کرده‌اند و هر روز فرزندی جدید را متولد می‌کنند که هرگز شبیه پدر و مادر خود نیستند.

تجربه ظهور «موبایل» و رشد و وسعت‌گیری آن را در نظر بگیرید. اهل فن به موبایل «تکنولوژی بلعنده» اطلاق کرده‌اند؛ بدین معنا که روزبه‌روز تمام فناوری‌ها و کارویژه‌های خدماتی را در خود می‌بلعد و دستگاه‌های مرسوم خدماتی دیگر را روی خود سوار می‌کند:

تلفن، دوربین عکاسی، فیلم‌برداری، رادیو، تلویزیون، کتابخانه، بانک، بازیخانه، کلاس درس، پزشک، فروشگاه...
حال به این تحول دگرگون‌کننده دو فناوری واقعیت مجازی (VR) و واقعیت افزوده (AR) را هم اضافه کنید تا با هراس و شگفتی بیشتری با موالید این ازدواج عجیب مواجه شوید.

از مجاز تا انقلاب جهانی در میدان واقعیت

ما در یک انقلاب جهانی به سر می‌بریم؛ انقلابی که زمین بازی خود را در علوم بین‌رشته‌ای استوار کرده است و می‌کوشد تمام عرصه‌های خدمت‌رسان واقعی زندگی انسان را مدیریت کند. درست است که برای بخش بزرگی از این فضا، عنوان «مجازی» را به کار می‌بریم اما به تعبیر فیلسوف متأله معاصر حضرت آیت‌الله جوادی آملی:
جوانان بدانند فضای مجازی فضای مجازی نیست بلکه فضای حقیقی است! چرا که «سیم» حقیقت نیست که «بی‌سیم» بشود مجاز!

هرجا اندیشه و فکر و نظر منتقل می‌شود فضای حقیقت است، این فضا را شما باید مدیریت کنید. (۲۸ دی ۱۳۹۶).

ماجرای فضای مجازی و فناوری‌های دخیل در آن جنسی از حقیقت است که هرگز نمی‌توان آن را شوخی یا حاشیه در نظر گرفت.

قهرمان اصلی کیست؟

بپذیریم این انقلاب نوظهور که همه ما را مثل اقیانوسی موج دربرگرفته است. بلم‌های لرزان ما را به صخره می‌کوبد یک قهرمان اصلی دارد که روزبه‌روز بر قدرت بازوان آن افزوده خواهد شد و آن «هوش مصنوعی» است. فناوریِ منحصر به فردی که می‌تواند با یادگیری روزانه در زمینه تحلیل و پیوستِ داده‌ها؛ انسان را مقهور قدرت، دقت و سرعت خود کند و کم‌کم بسیاری از خدمات مورد نیاز را با اندیشه مرموز خود برای ما فراهم آورد. طبق برخی آمار عنوان می‌شود سهم هوش مصنوعی فقط و فقط

در بخش رسانه و سرگرمی تا سال ۲۰۳۰ می‌تواند به عدد ۱۵٫۷ تریلیون دلار برسد. گرچه هنوز نمی‌توان با قاطعیت حکم کرد که آیا روزی هوش مصنوعی، رئیسِ انسان خواهد شد و او را در بند خود کامگی افسونگرانه خود گرفتار خواهد کرد یا نه؛ افسار این هیولا به دست انسان باقی خواهد ماند. اما می‌توان با قاطعیت قضاوت کرد که ما ناچار به همزیستی فعال با هوش مصنوعی خواهیم بود و مجبور خواهیم بود (با اکراه یا علاقه) بخشی از افعال یومیه خود را به او حواله دهیم و نقشی جدی ولو در مقام یک خدمتکارِ وارد و کارگزارِ چابک برای او تعریف کنیم.

نقطه تلاقی تمدن‌ها همین‌جاست

حال قبول کنیم که تمدن‌ها، درست در همین نقطه انقلابی با هم مواجه شده‌اند و در کنار ستیزه‌های سنتی و مزمَن قدیمی (از جنس سرزمین و تسلیحات و اقتصاد و فرهنگ) امروز وارد نبردی تازه

و تاریخ‌ساز شده‌اند که عنقریب است جدول توزیع مدال‌ها را برای آنان به‌کلی دگرگون سازد.

آن تمدن‌ها و قدرت‌هایی که زودتر از بقیه صدای شلیک تپانچه آغاز این مسابقه را شنیده‌اند و سازوکار علمی و فناوری خود را برای آن بازآرایی کرده‌اند حتما در قله‌های آینده محکم‌تر جاگیر خواهند شد. منتهی باید دقت کرد این نقطه، دیگر نقطه مصرف‌کنندگی صرف نیست و حتما باید به شاخه‌های اصلی آن دست پیدا کرد و به تعبیری:

۱- هم برای حکمرانی از این فناوری‌ها بهره برد.

۲- هم به حکمرانی این فناوری‌ها دست پیدا کرد.

اینچنین است که تعابیر رهبر حکیم و دانشمند انقلاب اسلامی به درستی و فرزاندگی خودنمایی می‌کند:
امروز هوش مصنوعی با یک شتاب حیرت‌دهنده‌ای دارد پیش می‌رود؛

یعنی انسان متحیر می‌شود از شتابی که این فناوری عجیب در دنیا پیدا کرده و دارد پیش می‌رود؛ این فناوری لایه‌های عمیقی دارد که باید بر آن لایه‌ها مسلط شد؛ آن لایه‌ها دست دیگران است؛ خودتان باید برسید به فناوری‌های عمیق و ژرف این مسئله و لایه‌های زیرساختی هوش مصنوعی را باید در کشور دنبال کنید.
(۶ شهریور ۱۴۰۳)

باید خواب نماند؛ و مبادا که با بی‌خیالی و غفلت با این عرصه جدید تحول‌ساز مواجه شد که امروز تکلیفی همگانی بر دوش آحاد جامعه به‌ویژه نخبگان و آگاهان و نیز سردمداران و اصحاب قدرت و رسانه است؛ تا باشد ایران اسلامی، شکاف پیش‌آمده در طول قرن‌های اخیر را با این استفاده از این فرصت مجدد تاریخی به یکباره جبران کند؛ ان‌شاءالله.

سراج

سازمان فضایی مجازی

سازمان فضای مجازی سراج



@Maqaam_ir



مقام

مطالبه‌گران قوت
و اقتدار مجازی